[پیام حوزه](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/4210) [پاییز 1378، شماره 23](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/4210/4229/0)

**تبلیغ در کلام امام**(قدس سره(

|  |
| --- |
| **اهمیت تبلیغات**  مساله تبلیغات یک امر مهمی است که می شود گفت که در دنیا درراس همه امور قرار گرفته است و می توان گفت دنیا بر دوش تبلیغات است ومع الاسف ما در این دوره کوتاه نتوانستیم به این امر درست قیام کنیم... توجه داشته باشید که بالاتر چیزی که می تواند این انقلاب را دراین جا به ثمر برساند ودر خارج صادرکند تبلیغات است،تبلیغات صحیح. آن چه که هست، هیچ مبالغه نکنید، مامتاعمان یک متاعی است که محتاج به مبالغه نیست، همان سرپوش هایی که دیگران روی متاع ما گذاشته اند...و مسایل اسلامی هم همان طوری که هست... در تبلیغاتتان همین معانی را در خارج منعکس کنید. (1)  برای خدا تبلیغات کنید که تبلیغات امر مهمی است، به همان اندازه که تبلیغات برای مستکبرین و زورگویان مضر است به همان اندازه یا بیشتر برای مستضعفین مفید است. مراعات حال مردم رابنمایید. (2)  مساله تبلیغات همان طور که می دانید از مسایل بسیار پراهمیت است. (3)  **تحصیل، مقدمه تبلیغ اسلام**  تحصیل برای این است که مردم انذار بشوند به مردم مسایل گفته بشود البته حوزه ها باید باشد حوزه های فقه باید باشد لکن این مساله هم نباید فراموش شود... همانطور که تحصیل یک تکلیفی است، تبلیغ بالاتر است از او، تحصیل مقدمه تبلیغ است، مقدمه انذار مردم است. (4)  **انسان سازی مقصد تبلیغ**  انبیا آمدند که همه مردم را آدم کنند، علم انبیا علم آدم سازی است. قرآن هم یک کتاب آدم سازی است، نه کتاب طب است، نه کتاب فلسفه است، نه کتاب فقه است نه کتاب سایر علوم است. هر چه درقرآن هست اگر کسی مطالعه کند، درست می بیند، آن چیزی که درقرآن است آن جنبه الوهیتش است. (5)  **روحانی طبیب جان ها**  طب بی طبیب نمی تواند عمل کند طبیب می خواهد، متخصص می خواهد.  اسلام به استثنای روحانیت مثل طب بدون طبیب است.  این که اسلام راتا اینجا رسانده همین طبقه بوده است وشما الان موظفید، مکلفید که اسلام را با قدرت به نسل های آتیه تحویل دهید. (6)  اسلام بدون روحانیت مثل کشور بدون طبیب است. گویندگان شماودانشمندان شما باید توجه داشته باشند که حوزه ها را با تدبیر،با نصیحت و همینطور جاهای دیگری که روحانیون مشغول کار هایی هستند، آن ها را با تدبیر و با نصیحت وادار کنند به اینکه خدای ناخواسته از آن ها چیزهایی صادر نشود که بهانه به دست آن هایی که می خواهند شما را از صحنه خارج کنند بیفتد و قلم به کاربرود و خدمت های شما ناچیز و نادیده گرفته بشود. (7)  **وظایف روحانیان در تبلیغ دین**  ... حوزه های علمیه سراسر کشور خصوصا حوزه علمیه قم، حوزه مشهد، حوزه اصفهان باید کوشش کنند که امروز که می توانند، مبلغ بفرستند به آن نحوی که بشناسد جامعه را و بفهمد مشکلات چه است وباید چه بکند و چه بگوید... در سراسر کشور، ما احتیاج به مبلغ داریم علاوه بر آن در خارج از کشور به مبلغ بیشتر احتیاج داریم و الان ما کمبود داریم... امروز باید همه علمای بلاد وهمه مراجع و همه مدرسین ودانشمندان حوزه های علمیه کوشش کنندکه این تکلیفی که به عهده همه آن ها آمده است را به طور شایسته انجام بدهند... بلادی هست که الان یک نفر مبلغ یک نفر روحانی آن جا نیست. (8)  **تحصیل، مقدمه انذار**  ... این حوزه هایی که افراد زیادی درشان هست، اجتماع زیاد هست باید توجه به این مساله داشته باشند که آمدن و درس خواندن به حسب امر خدای تبارک وتعالی مقدمه انذار هست. مقدمه این است که بروند در بلاد خودشان یا بلاد دیگر، مردم را تربیت کنند. مشکلات کشور را گوشزد کنند. امروز دیگر ما عذری نداریم که بگوییم نمی توانستیم امروز می توانیم همه کارها را بکنیم والبته محتاج به صرف وقت است، صرف طولانی وقت است وچون تکلیف است بایدبکنیم (9)  **هجرت تبلیغی وظیفه فارغ التحصیلان**  ... افراد بیایند در حوزه ها وبروند، باید رفت و آمد باشد، یک دسته معلم ومدرس ثابت ویک دسته های اکثریتی وقتی که آمده اندوکار خودشان را انجام دادند خودشان را موظف بدانند که برونددر بین مردم، دریک جا متورم نشود و در یک جا هیچ این طورنباشد که یک شخصی در حوزه هیچ نحو فعالیت نداشته باشد مع ذلک بماند، این به حسب وضع کشور ما مشروع نیست. امروز کسانی که کار خودشان را تمام کردند، تحصیل خودشان را تمام کردند لکن درحوزه ها فعالیت تدریسی وفعالیت های تبلیغی و این ها ندارند،این ها باید بروند در بلاد دیگر که محتاج هستندودر آن جا ادای وظیفه کنند. (10)  «محصلین جوان » نیز به طور متناوب ودر تعطیلات تبلیغ بروند.  ... باید اشخاص، همان طلاب جوان که مشغول به تحصیل هم هستندعلاوه بر اینکه ایام تعطیل را باید بروند تبلیغ کنند سرتاسرکشور وآن وقت ها هم تا اندازه ای می روند، در غیر ایام تعطیل هم به حسب نوبت، قرار داد، نگذارند همه جای ایران، یعنی بسیاری از جاهای ایران بی روحانی بماند. (11)  **شرایط و ویژگی های تبلیغ مؤثر**  **تاکید و تکرار**  بعضی از مسایل است که اهمیتش آنقدر زیاد است که باید آن مسایل را تکرار کرد. کتاب هایی که برای انسان سازی آمده است مثل قرآن کریم وکتاب هایی که در اخلاق نوشته می شود و منظور ساختن یک انسان است وساختن یک جامعه ست به حسب اهمیت، هر موضوعی درآن ها تکرار شده است. تکرار در قرآن مجید زیاد است وبعضی هاخیال می کنند که این تکرار چرا؟ و حال اینکه لازم است.  یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است تلقین است.  انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته بشود، باید آن مسایلی که مربوط به ساختن خودش است تلقین کند به خودش، تکرار کند یک مطلبی که تاثیر در نفس انسان باید بکند، با تلقینات وتکرارها بیشتر درنفس انسان نقش پیدا می کند... این آیاتی که سازنده است مثل سوره مبارکه حمد که یک درس سازنده است، انسان باید این ها را تکرار کند و تلقین کند ونفس را حاضر کند برای شنیدن، انسان خودش که یک مطلبی می گوید، سامع یک دفعه می شنود وبعد باز در قلبش وارد می شود. تلقین از اموری است که لازم است.  **رحمت مؤثرترین عامل**  ملایمت و جهت رحمت بیشتر از جهت خشونت تاثیر می کند. من درزمان اختناق رضاخانی وقتی در مدرسه فیضیه صحبت می کردم، آنگاه که از جهنم و عذاب الهی بحث می کردم همه خشکشان می زد، ولی وقتی از رحمت حرف می زدم می دیدم که دل ها نرم می شود و اشک ها سرازیرمی گردد و این تاثیر رحمت است. (12)  **بهره گیری از معنویات**  ... البته تبلیغات باید براساس معنویات باشد، معنویات اساس اسلام است، سعی کنید معنویات را زیاد کنید و از تشریفات تاآن جا که مقدور است بکاهید. (13)  **شفقت و دلسوزی عامل توفیق**  ما فرض می کنیم که شما در محل که رفتید بعضی از افراد منحرف هستند، پیغمبر اکرم(ص) برای همین ها غصه می خورد برای همین مردم منحرف غصه می خورد (فلعلک باخع نفسک) این که مؤمن نشدند هم چون غصه ای که مثل اینکه می خواهی خودت را بکشی. (14)  **ویژگی های مبلغ دینی**  **تهذیب**  گفتار باید برخاسته از قلبی اصلاح شده و الهی باشد.  شمایی که سروکارتان با جان مردم است، باید کوشش کنید که جان خودتان را، قلب خودتان را اصلاح کنید که وقتی که منبر می رویدمثل منبرهای البته نمی شود-، آن صاحب منبر حقیقی که حضرت امیر سلام الله علیه است، باشد که هرچه گفت از قلب الهی سرچشمه می گرفت. (15)  ... آن چیزی که در راس همه امور است برای همه ماها، اول تهذیب نفس است و در خلال او تهذیب مردم است اگر انسان خودش مهذب نباشد نمی تواند دیگران را تهذیب کند، حرف اثر ندارد.  وقتی که آقایان خودشان را تهذیب کردند خصوصا ائمه جمعه که سروکارشان با توده های عظیم مردم است، ائمه جماعت هم هست، اماائمه جمعه بیشتر الان مورد توجه هستند، آن ها باید به مقام عالی تهذیب برسند و مردم را هم دعوت به این مطلب بکنند.  تمام مسایلی که در اسلام است، حتی مسایل سیاسی اش، مسایل تهذیبی است برای درست کردن آدم است. (16)  **دینداری و خردورزی**  ... اگر روحانی درست شد همه چیز درست می شود و اگر خدای ناخواسته روحانی فاسد شد عالم فاسد می شود و این یک واقعیت است.  من در جوانی در ایام تابستان که گاهی به بعضی از بلاد می رفتم در بعضی جاها می دیدم که همه مردم خوبند از آن جمله محلات رامی دیدم که همه مردمش متدین و خوبند وقتی متوجه می شدم می دیدم که عالم خوب در آن جااست. بنابراین هر جا یک عالم عاقل و متدین باشد مسایل را اصلاح می کند و در مقابل اگر خدای ناخواسته انحرافی در این قشر پیدا بشود این انحراف به مردم نیز سرایت می کند. (17) ... اگر همین تقوا نزد اشخاصی جاهل باشد، گاهی ضررمی زند.  آدم هایی که ظاهر صالح دارند، ممکن است به واسطه ناآشنایی به مبانی اسلام، اشتباهی انجام دهند. اما علم و تقوا اگر در کسی جمع شود در دنیا و آخرت سعادتمند است. (18)  **بی توقعی و نداشتن طمع به مردم**  ... این که کسی به شما از بشر یک تشویقی بکند...پاداشی بدهد،شما برای خدا کار می کنید، بشر چیزی نیست، بشر حالا یک چیزی می گوید، یک چیزی فردا... بعضی شان خلافش را هم می گویند، آن که اساس است، این است که ما حسابمان را با خدا درست کنیم، نه بامردم و از هیچ کس هم توقع نداشته باشیم. (19)  **خدمت به مردم**  ... به عنوانی که ما یک آدمی هستیم خدمتگزار به اسلام، مردم مارا می پذیرند... این ها می دانند که ماها خدمتگزار هستیم به آن هاو خدمتگزارها را مردم علاقه دارند.  **پذیرش سختی ها**  من که قریب 85 ساله هستم با ضعف بسیار، آن قدر که برای من ناراحتی و خستگی هست برای شماها نیست اگر بنا شود کنار برویم من باید کنار بروم. باید محکم در میدان بود. به اندازه ای که برای پیغمبر اکرم(ص) گرفتاری پیش آمد برای هیچکس پیش نیامدولی ایشان تا آخر ایستادند و به تکلیف شان عمل کردند.  همین طور برای ائمه(علیهم السلام) ولی آن ها هم ایستادند بی خودنبود که حبس می شدند برای این زندان می شدند که جلوی آن هایی که بر ضد اسلام قیام کرده بودند می ایستادند. (20)  **رعایت حرمت دیگر روحانیان**  ببینید با آقایانی که در محل هستند شما چه جور رفتارمی کنید؟... اگر دیدید آن جا می خواهد نفس اماره بگوید که حالا این آقا این جا مدتی بوده است و عنوانی دارد و بخواهید عنوانش رایک وقت خدای ناخواسته از دستش بگیرید، بدانید که این الهی نیست، این شیطانی است. بخواهید مقابل یک اهل علمی که آن جا است بایستید و بشکنید خدای ناخواسته حیثیت او را، بدانید که انسانی نیست و این الهی نیست شیطانی است. (21)  **ساده زیستی**  ... باید توجه کنید که همه متوجه شما هستند لذا زی (اهل علم)خودتان را حفظ کنید درست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید درگذشته چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر زندگی شان سطح معمولی مردم پایین تر بود.  **حفظ قلوب**  شما اگر چنانچه به وظایف روحانیت عمل بکنید قلوب مردم با شمااست، مردم شما را می خواهند و اگر خدای ناخواسته خلافی از بعضی بشود این قلوبی که متوجه به شما شده است ممکن است خدای ناخواسته برگردد، برگشت قلوب از شما، شکست روحانیت است، شکست روحانیت، شکست اسلام است، اسلام با این سد بزرگ روحانیت تا حالامحفوظ مانده واگر خدای ناخواسته این سد شکسته شود اسلام شکسته می شود. (22)  **اتقان و صحت گفتار**  اگر چنان چه آن کسی که منبر می رود زبانش یک وقتی یک زبانی باشدکه برخلاف مسیر اسلام باشد این غیر از یک آدم عادی است که توی دکانش یک خلافی می کند... این خطر، خطر مکتب است شما سخن گوی اسلام هستید اگر سخن گوی اسلام یک چیزی بگوید که با برنامه اسلام مخالف باشد. با مقاصد اسلام مخالف باشد، این مسوولیتش غیر ازآن مسوولیتی است که یک نفر آدم عادی یک چیزی می گوید. (23)  پی نوشت ها:  1- صحیفه نور، ج 14، ص 41 و 44 در جمع اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی 16/11/59.  2- صحیفه نور، ج 15، ص 200 در دیدار با فرمانده سپاه و...  29/7/60.  3- صحیفه نور، ج 15، ص 219 در جمع اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی 24/8/60.  4- صحیفه نور، ج 15، ص 249 در جمع اعضای ستاد برگزاری نمازجمعه 8/9/60.  5- صحیفه نور، ج 8، ص 8 در جمع استادان دانشگاه 13/4/58.  6- صحیفه نور، ج 15، ص 62 در جمع روحانیون تهران 10/4/60.  7- صحیفه نور، ج 14 ص 123 در جمع گروهی از دفتر تبلیغات قم ومشهد 14/12/59.  8- صحیفه نور، ج 15، ص 249 در جمع اعضای ستاد برگزاری نمازجمعه تهران 18/9/60.  9- صحیفه نور، ج 15، ص 249 در جمع اعضای ستاد برگزاری نمازجمعه تهران 18/9/60.  10- همان.  11- همان.  12- صحیفه نور، ج 18، ص 153 در جمع عده ای از نمایندگان 14/8/1362.  13- صحیفه نور، ج 18، ص 80 در جمع فرماندهان نیروهای هوایی،دریایی... 1/6/1362.  14- صحیفه نور، ج 7، ص 227 در جمع روحانیون و طلاب قم 7/4/1358.  15- صحیفه نور، ج 8، ص 66 در جمع وعاظ و روحانیون تهران 17/4/1358.  16- صحیفه نور، ج 16، ص 9 در جمع ائمه جمعه استان اصفهان وشهرکرد 30/10/1360  17- صحیفه نور، ج 16، ص 5 در جمع ائمه جمعه گیلان 23/10/1360 .  18 صحیفه نور، ج 18، ص 96 در جمع گروهی از طلاب مدرسه حقانی وخانواده شهید قدوسی،13/6/1362.  19- صحیفه نور، ج 17، ص 178 در جمع مسوولین و حکام شرع دادگاه ها 18/11/1361.  20- صحیفه نور، ج 18، ص 198 در دیدار با آقایان عسگراولادی،سعید امانی و... 12/10/1362.  21- صحیفه نور، ج 7، ص 227، در جمع روحانیون وطلاب قم 7/4/1358  22- صحیفه نور، ج 9، ص 50 در جمع روحانیون و علمای تبریز16/6/1358.  23- صحیفه نور، ج 8، ص 67 در جمع وعاظ و روحانیون تهران 17/4/1358. |